

بررسی تطبیقی جایگاه و چگونگی ذکر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث فریقین - علی اکبر کلانتری

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفنه

سال دوازدهم، شماره 45 «و ژه حدیث»، زمستان 1393، ص 59 - 80

بررسی تطبیقی جایگاه و چگونگی ذکر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث فریقین

علی اکبر کلانتری [1] ×

چکیده: درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او، از ذکرهای مهم و پراستعمالی است که در امت اسلامی، جایگاهی رفیع و بی‌بدیل دارد.

این ذکر، در روایات اهل سنت، با عبارت‌های گوناگون و عمدتاً به چهار صورت نقل شده که یکی از این صورت‌ها، مشهورتر و به نظر آنان از اعتبار بیشتری برخوردار است، ولی دامنه این اختلاف در میان شیعه کمتر است و به هر حال می‌توان با بررسی بیشتر در این زمینه و رفع برخی ابهامات، از این عامل به ظاهر اختلافی، در راستای وحدت جامعه اسلامی، بهره برد.

کلیدواژه‌ها: پیامبر صلی الله علیه و آله، آل پیامبر صلی الله علیه و آله، صلوات، اهل سنت، شیعه.

درآمد

از ذکرهای مهم در میان مسلمانان که برای آن فضیلت‌ها و پاداش‌های فراوانی برشمرده‌اند، ذکر صلوات و درود بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او است.

المبته چنان که می‌دانیم تعبیر رایج در میان برادران اهل سنت برای ابراز این ذکر، بیشتر «صلی الله علیه و سلّم»
یا
«اللهم صلّ علی محمد وسلّم»
و در میان شیعه
«اللهم صلّ علی محمد و آل محمد»
یا
«صلّی الله علیه و آله وسلّم»
می‌باشد.

در روایات اهل سنت، عبارت‌های حاکی از ذکر صلوات، عمدتاً به چهار صورت نقل شده که المبته یکی از این صورت‌ها، مشهورتر و از روایان بیشتر و اسناد بهتری برخوردار است، در حالی که دامنه اختلاف در میان شیعه پیرامون حکم و چگونگی ادای این ذکر، کمتر است.

المبته از ویژگی‌های روایات شیعه آن است که بر المحاق آل پیامبر صلی الله علیه و آله به آن حضرت در ذکر صلوات تأکید می‌ورزد و به دیگر سخن، از صلوات ناقص و به تعبیر روایات، از صلوات مبتوره نهی می‌کند.

این مقاله با بهره‌گیری از روایات فریقین، نخست به بررسی جایگاه، حکم و چگونگی ذکر صلوات در منابع اهل سنت و سپس به بررسی جایگاه، حکم و چگونگی آن در منابع شیعه می‌پردازد و با طرح برخی مباحث مهم، توضیح خواهد داد که می‌توان با رفع برخی ابهامات و پاسخ به پاره‌ای از شبهات، از دامنه اختلاف کاست و این نقطه به ظاهر اختلافی را به عاملی وحدت ساز تبدیل نمود.

الف - اهل سنت و ذکر صلوات

1 - جایگاه

در منابع حدیثی اهل سنت به روایات فراوانی برمی خوریم که حاکی از اهمیت و جایگاه رفیع ذکر صلوات بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است. مصدر نخستین این روایات، بیشتر خود پیامبر صلی الله علیه و آله و در پاره‌ای موارد، صحابه آن حضرت است. از قسم نخست است نمونه‌های ذیل:

- ابوهریره: ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال: من صلی علیّ واحدۀ صلی الله علیه و آله عشاء. (مسلم، ج 2، ص 1 علیه السلام، نسایی، ج 3، ص 50)؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس، یک بار بر من درود بفرستد، خداوند ده بار بر او درود بفرستد.؛

- عبدالله بن عامر، به نقل از پدر خود: انّ المنبی صلی الله علیه و آله قال: ما من مسلم یصلّی علیّ الا صلّت علیه الملائکة ما صلی علی، فلیقلّ المعبّد من ذلک او لیکثر. (ابن ماجه، ج 1، ص 294)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ مسلمانی بر من درود نمی فرستد مگر اینکه تا وقتی او درود می فرستد، فرشتگان بر او درود می فرستند، حال این کار را کم انجام دهد یا زیاد.؛

- ابن عباس: ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال: من نسی المصلاه علیّ خطیئ طریق المجنّه. (همان)؛ هرکس صلوات بر مرا فراموش کند (ترک نماید) راه بهشت را اشتباه رفته است.؛

- عبدالله بن مسعود: ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال: اولی الناس بی یوم المقیامه اکثرهم علیّ صلاۀ. (ترمذی، ج 1، ص 302)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سزاوارترین مردم نسبت به من در روز قیامت، کسانی اند که بر من درود بیشتر بفرستند.؛

- فضاله بن عبید انصاری: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را دید که نماز به جای آورد، ولی خدا را حمد و ثنا نگفت و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود نفرستاد و رفت، حضرت فرمود: او عجله کرد، سپس وی را صدا کرده و به او و دیگران گفت: اذا صلی احدکم فلیبدأ بتحمید ربّه و الثناء علیه ثم لیصلّ علی المنبی صلی الله علیه و آله ثم یدعو بما شاء. (حاکم ن شافوری، ج 1، ص 2 علیه و آله 9)؛ هرگاه یکی از شما نماز گزارد، به حمد و ثنای پروردگارش آغاز کند، سپس بر من درود فرستد و پس از آن در هر مورد می خواهد دعا کند.؛

- ابوهیرره: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بگوید: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد كما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم وبارک علی محمد و آل محمد كما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم وترجم علی محمد و آل محمد كما ترجمت علی ابراهیم و آل ابراهیم، من روز قیامت به نفع او شهادت داده وی را شفاعت می کنم. (بخاری، المادب المفرد، ص 139)

واز قسم دوم است نمونه های ذیل:

- عمر بن خطاب: ان المدعاء موقوف بين السماء والارض ولا يصعد منه شيء حتى تصلّي علی نبیّك صلی الله علیه و آله. (ترمذی، ج 1، ص 303) «دعا، بین آسمان وزمین متوقف می ماند و چیزی از آن بالا نمی رود، تا اینکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستی.»

- شعبی: من لم يصلّ علی النبی صلی الله علیه و آله فی المتشهد فليعد صلاته. (بیهقی، ج 2، ص 2 علیه السلام 9) «هر کس در تشهد، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود نفرستد، باید نمازش را اعاده کند.»

- عبدالله بن مسعود: اذا صلّیت علی رسول الله صلی الله علیه و آله فاحسنوا المصلاة علیه فانکم لا تدرون لعل ذلک یعرض علیه. (ابن ماجه، ج 1، ص 294) «هرگاه بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درود می فرستید، این کار را به خوبی انجام دهید، شما نمی دانید شاید این عمل شما بر او عرضه شود.»

2- حکم

چنان که خواهیم دید، در مورد حکم فقهی صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله در میان شیعه، اختلاف چندانی نیست، فقهای شیعه ذکر صلوات بر آن حضرت را در تشهد نماز، واجب و در غیر نماز هرگاه نام ایشان بر زبان جاری شود یا کسی نام آن حضرت را بشنود مستحب مؤکّد می دانند. ولی دامنه اختلاف میان فقهای اهل سنت در این باب گسترده است.

ابن حجر عسقلانی، ذیل عنوان: «باب المصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله» می گوید: من در این زمینه به ده قول دست یافته ام:

1- ابن جزیرطبری، صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله را مستحب دانسته و بر آن ادعای اجماع نموده.

2- ابن قسار آن را به طور فی الجمله واجب دانسته، ولی گفته است یک بار گفتن آن کفایت می کند.

3- ابوبکر رازی حنفی، ابن حزم و برخی دیگر گفته اند: در نماز و غیر نماز واجب است. به گفته قرطبی، در وجوب یک بار آن اختلافی نیست.

4- به گفته شافعی و پیروان او، ذکر صلوات بین تشهد و سلام واجب است.

5- از نظر شعبی و اسحاق بن راهویه، این ذکر در تشهد واجب است.

صلی الله علیه و آله - به گفته ابو جعفر باقر، در نماز واجب است ولی محل معینی ندارد.

علیه السلام - بنابر دیدگاه ابوبکر بن بکر مالکی، واجب است این ذکر فراوان گفته شود، ولی عدد آن معین نیست.

8- طحاوی، گروهی از حنفی ها، حلیمی و دسته ای از شافعی ها، گفته اند، هرگاه نام حضرت برده شود، این ذکر واجب است. ابن عربی مالکی و همچنین زمخشری این قول را احوط دانسته اند.

9- براساس نقل زمخشری، برخی گفته اند این ذکر در هر مجلس یک بار واجب است هر چند نام حضرت تکرار شود.

10- نیز براساس نقل وی، این ذکر در هر دعا واجب است. (عسقلانی، ج 11، صص 128-129)

ممکن است بتوان برخی از این اقوال را جمع نمود و قدری از دامنه اختلاف میان آنان کاست، چنان که صحت انتساب برخی از این اقوال به قائلان آن ها قابل بررسی است، برای مثال، قول ششم که به امام باقر علیه السلام نسبت داده شده، باید با توجه به دیدگاه امامیه بررسی شود و اساسا نمی توان آن را از اقوال اهل سنت دانست، چنان که انتساب قول چهارم به ابن ادریس شافعی مشهور است و نباید در صحت آن تردید نمود.

وی گفته است:

یا اهل بیت رسول الله حبکم فرض من الله فی القرآن انزله

کفایکم من عظیم المقدّر انکم من لا یصلّی علیکم لا صلاّه له

در است فرستاده فرو درقرآن را این، شده واجب خدا سوی از، شما داشتن دوست! پیامبر خدا خاندان ای؛
عظمت قدر و منزلت شما همین بس که هرکس (در نماز خود) بر شما درود نفرستد، نمازی برای او نیست. "(نک:
زرنندی، ص 18، ابن بطر ق، ص 20، قاضی نعمان مغربی، ج 2، ص 489، بکری ده اطمی، ج 1، ص 489)

چنان که به احتمال زیاد، مورد قول نخست و برخی اقوال دیگر، غیر نماز است، بر این مبنا که همه ایشان این ذکر را
در نماز و هنگام تشهد واجب می دانند، سخن زیر از عسقلانی نیز می تواند اشاره به همین امر باشد:

لم أر عن أحد من الصحابة و التابعین المتصريح بعدم الوجوب. (عسقلانی، ج 11، ص 141) "ندیدم هیچ یک از
صحابه و تابعین، تصریح به عدم وجوب کرده باشند."

چگونگی

در مورد صورت و چگونگی ذکر صلوات نیز در روایات اهل سنت، اختلافاتی به چشم می خورد. می توان با تکیه بر این
روایات و البته با صرف نظر از برخی تفاوت های جزئی در عبارت های آنها، از چهار صورت ذیل یاد کرد:

صورت نخست:

اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم وبارک علی محمد کما بارکت علی آل ابراهیم فی
العالَمین انک حمیدمجید.

این عبارت یا عبارت‌های نزدیک به آن را بسیاری از محدثان اهل سنت گزارش کرده‌اند.

احمد بن حنبل، با سند خود از ابن مسعود انصاری نقل می‌کند که وی گفت: در مجلس سعد بن عبادہ بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد. در آن مجلس، بشیر بن سعد به حضرت عرض کرد: خداوند به ما دستور داده به شما درود بفرستیم، چگونه درود بفرستیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله سکوت اختیار کرد به گونه‌ای که پنداشتیم که از پاسخ دادن کراهت دارد، ولی سپس فرمود: بگوئید: اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد كما صلّیت ... (ابن حنبل، ج 5، ص 2 علیه السلام 4 نیز نک: مسلم، ج 2، ص 1 صلی الله علیه و آله، ابو داود، ج 1، ص 222، ترمذی، ج 5، ص 38، نسایی، ج 3، ص 45، ب قهی، ج 2، ص 14 صلی الله علیه و آله)

نیز ابن حنبل با سند خود از ابی سعید خدری نقل می‌کند که وی گفت: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردیم: هذا السلام علیک قد علمناه فکیف المصلاة علیک؟ این نحوه سلام کردن بر شما، که آن را یاد گرفتیم، پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگوئید: اللهم صلّ علی محمد عبدک و رسولک كما صلّیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد كما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم. (ابن حنبل، ج 3، ص 4 علیه السلام، بخاری، ج صلی الله علیه و آله، ص 2 علیه السلام، ابن ماجه، ج 1، ص 293، ابن ابی ش به کوفی، ج 2، ص 391)

اسماعیل بن اسحاق جهضمی مالکی (د 282ق) در زمینه صدور این روایت، گزارش کاملی می‌دهد و می‌نویسد: لمّا نزلت هذه الآية: انّ الله و ملائکته یصلّون علی النبی یا ایها المذین آمنوا صلّوا علیه و سلّوا تسلیما، قلنا یا رسول الله! قد علمنا المسلم فکیف المصلاة؟

قال: قولوا: اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد كما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و بارک علی محمد و علی آل محمد كما بارکت و صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید. (جهضمی، ص 54)

”آیه چون“ " انّ الله و ملائکته یصلّون علی النبی. ما و) شد نازل (آله و علیه الله صلی 5/احزاب) ".. براساس آن مأمور شدیم بر پیامبر صلی الله علیه و آله سلام کنیم و صلوات فرستیم عرض کردیم: ای پیامبر خدا! چگونگی سلام کردن بر شما را فرا گرفتیم، نحوه صلوات فرستادن بر شما چگونه است؟ فرمود: بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد كما " ...

روایات زیر نیز هریک به نحوی، صورت نخست را گزارش می‌کنند:

دارمی، با سند خود از ابی لیلی نقل می‌کند که وی گفت: لقینی کعب بن عجره قال: الما اهدی الیک هد ٤؟ ان رسول

الله صلی الله علیه و آله خرج علینا فقلنا: قد علمنا کیف المسلم علیک فکیف نصلّی علیک؟

کعب بن عجره با من ملاقات کرده، گفت: آیا هدیه‌ای به تو ندهم؟ (روزی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به سوی ما آمد، به ایشان عرض کردیم: ما نحوه سلام کردن بر شما را آموختیم، چگونه بر شما درود فرستیم؟ فرمود: بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم انک حمید مجید، و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم انک حمید مجید. (دارمی، ج 1، ص 309، نیز نک: بخاری، ج علیه السلام، ص 15 صلی الله علیه و آله، مسلم، ج 2، ص 1 صلی الله علیه و آله، ابن ماجه، ج 1، ص 293، نسایی، ج 3، ص 48، بیهقی، ج 2، ص 14 علیه السلام)

نسایی ذیل عنوان "کیف المصلاة علی المنبی صلی الله علیه و آله"؛ با سند خود از موسی بن طلحه از پدرش نقل می‌کند که وی گفت: عرض کردیم: ای رسول خدا! چگونه بر شما درود فرستیم؟ فرمود: بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و علی آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید، و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید. (شافعی، ص 42)

ابن ادريس شافعی با سند خود از ابوهریره نقل می‌کند که وی گفت: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردیم: چگونه هنگام نماز بر شما درود فرستیم؟ فرمود بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم. (همان) [2]

صورت دوم:

صورت دوم، عبارتی است که آن را احمد بن حنبل با سند خود از ابی حمید ساعدی نقل می‌کند. براساس این نقل، گروهی از صحابیان به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عرض کردند: چگونه بر شما درود فرستیم؟ حضرت فرمود بگوئید: اللهم صلّ علی محمد و ازواجه و ذریته کما صلّیت علی آل ابراهیم وبارک علی محمد وازواجه و ذریته کما بارکت علی آل ابراهیم انک حمید مجید (ابن حنبل، ج 5، ص 424، نیز نک: ابن ماجه، ج 1، ص 293، ابوداود، ج 1، ص 222، بیهقی، ج 2، ص 151).

ابوداود نیز با سند خود از ابوهریره نقل می‌کند که وی گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس دوست دارد اعمالش با کامل ترین پیمانہ سنجش شود، هرگاه بر ما اهل بیت درود می‌فرستد، بگوید: اللهم صلّ علی محمد المنبی و ازواجه امهات المومنین و ذریته و اهل بینه کما صلّیت علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابو داود، ج 1، ص 222، نیز نک: بیهقی، ج 2، ص 151، مبارکفوری، ج 2، ص 495)

همچنین عبدالرزاق صنعانی با سند خود از عمرو بن حزم و او از مردی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله (عن رجل من اصحاب محمد صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: اللهم صلّ علی محمد و

علی اهل بینه و علی ازواج و ذریته کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید و بارک علی محمد و علی اهل بینه و ازواج و ذریته کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابن ابی ش به کوفی، ج 2، ص 211)

صورت سوم:

صورت سوم، عبارتی است که در یکی از نقل‌های ابن ماجه به چشم می‌خورد. در روایتی که ابن محدث باسند خود از عبدالله بن مسعود نقل می‌کند آمده است که وی گفت: هرگاه بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درود می‌فرستید، این کار را به خوبی انجام دهید شما چه می‌دانید شاید این سخت‌ان بر او عرضه شود. برخی به او گفتند: به ما یاد ده چگونه بر ایشان درود فرستیم، پاسخ داد بگوئید:

اللهم اجعل صلاتک و رحمتک و برکاتک علی سید المرسلین و امام المتقین و خاتم النبیین، محمد عبدک و رسولک امام الخیر و قائد الخیر و رسول الرحمة. اللهم ابعته مقاما محمودا یغبطه المaulون و الماخرون، اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید. (ابن ماجه، ج 1، ص 294)

صورت چهارم:

ابوداود با سند خود از ابومسعود انصاری نقل می‌کند که وی گفت: در مجلس سعد بن عبادہ بودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله بر ما وارد شد، آن جا بشیر بن سعد پیامبر صلی الله علیه و آله را مخاطب ساخته عرض کرد: خداوند به ما فرمان داده بر شما درود فرستیم، چگونه درود فرستیم؟ حضرت لحظاتی سکوت کرد، سپس فرمود بگوئید: اللهم صل علی محمد النبی الامی و علی آل محمد. (ابوداود، ج 1، ص 222)

بررسی

چنان که می‌بینیم، صورت اخیر، بخشی از صورت نخست است که نباید آن را گونه‌ای مستقل دانست، به خصوص این که راوی این حدیث یعنی ابومسعود انصاری همان راوی حدیث اول در صورت نخست است. تنها تفاوت میان این دو روایت، بلندی و کوتاهی ذکر صلوات در آنها است که این هم دلیل بر تعدد نیست.

در مورد صورت سوم نیز همان گونه که می‌بینیم، در حدیث مربوط به آن، عبارتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نشده است. آن چه در آن دیده می‌شود، جملاتی است از عبدالله بن مسعود، و این می‌تواند برداشت و استنباط خود وی از

ذکر صلوات باشد. برخی در سند این روایت نیز خرده گیری کرده اند، از جمله هیشمی که در ذیل این روایت نوشته است:

رجالہ ثقات الّا ابن المسعودی اختلط بآخر عمره ولم یتمیز حدیثه الماول من الآخر، فاستحق المترک كما قاله ابن حبّان. (ابن ماجه، ج 1، ص 294)؛ رجال نقل کننده این روایت مورد وثوق اند مگر مسعودی که در پایان عمرش دچار خلط شد به گونه ای که حدیث نخست خود را از حدیث بعدی اش تشخیص نمی داد بنابراین چنان که ابن حبّان نیز گفته سزاوار است حدیث او ترک شود.؛

در مورد صورت دوم نیز باید گفت: این عبارت را شمار کمتری از محدثان (نسبت به صورت نخست) نقل کرده اند و در همین مقدار نقل نیز برخی اشکال سندی کرده اند، از جمله هیشمی که پس از نقل صورت دوم از بریده می نویسد: این حدیث را احمد (بن حنبل) با سندی نقل کرده که در آن ابوداود اعمی قرار دارد و این راوی، ضعیف است. (ه شمی، ج 2، ص 144)

بنابراین باید مهم ترین صورت را صورت نخست دانست که شمار فراوانی از محدثان با سندهای متعدد آن را گزارش نموده اند و کسی هم در سند و مداول آن مناقشه ننموده است.

ب- شیعه و ذکر صلوات

1- جایگاه

نیاز به توضیح نیست که ذکر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او: از نگاه شیعه، از اهمیت بسیار بالا و جایگاهی بی بدیل برخوردار است و تردیدی در تواتر روایات آن نیست. در ذیل به سه نمونه از این روایات که شیخ کلینی با سند صحیح نقل نموده است، بسنده می کنیم.

ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: اذا ذکر المنبی صلی الله علیه و آله فاکثروا المصلاة علیه، فانه من صلی علی المنبی صلی الله علیه و آله صلاة واحدة صلی الله علیه الف صلاة فی الف صف من الملائکة، ولم یبق شیء مما خلقه الله الا صلی علی العبد لصلاة الله علیه وصلاة ملائکته. فمن لم یرغب فی هذا فهو جاهل مغرور، قد بریء الله منه و رسوله و اهل بیته. (کلینی، ج 2، ص 492)

آله و علیه الله صلی پیامبر بر هرکس زیرا، فرستید فراوان درود او بر، بادشود آله و علیه الله صلی پیامبر هرگاه؛
یک درود فرستد، خداوند بر او هزار درود در هزار صف از فرشتگان فرستد. و هیچ یک از آفریدگان خدا باقی نمی ماند،

مگر این که بر او درود فرستد، چون خدا و فرشتگان او بر وی درود فرستاده‌اند. پس هرکس به این ذکر بی رغبتی کند، نادان و فریب خورده است و خدا و پیامبر و خاندانش از او بیزار هستند."

هشام بن سالم نیز می‌گوید، امام صادق علیه السلام فرمود: لا يزال المدعا، محجوبا حتی یصلّی علی محمد و آل محمد. (همان، ص 491) "دعا پیوسته در حجاب است (و به اجابت نمی‌رسد) تا این که بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او درود فرستاده شود."

و براساس نقل عبدالله بن سنان، آن حضرت فرمود: المصلاة علیّ وعلی اهل بیتی تذهب بالمنفاق. (همان، ص 492) "بردمی بین از را نفاق خاندانم و من بر فرستادن درود."

2- حکم

از نظر فقهایی شیعه، ذکر صلوات در تشهد نماز واجب است و می‌توان این حکم را مورد اتفاق ایشان دانست. صاحب جواهر می‌نویسد: "من در این مورد به کسی که به طور مسلم مخالفت کرده باشد برخوردیم، بلکه صاحبان غیبه، تذکره، منتهی، ذکر و کنز المعرفان در این باره ادعای اجماع کرده‌اند." (نجفی، ج 10، ص 253)

وی می‌افزاید: "در این زمینه تنها از شیخ صدوق و والدهش و ابن جنید، نقل مخالفت شده."

سپس به این نکته اشاره می‌کند که با درنگ بیشتر در مواضع این سه تن، روشن می‌شود ایشان مخالف حکم مزبور محسوب نمی‌شوند و عبارت‌هایشان قابل توجیه است. برای مثال، اگر شیخ صدوق در برخی آثار خود گفته است: "این به سبب معروف بودن ذکر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آمدن نام آن حضرت در شهادتین است. (نجفی، ج 10، ص 253) به هر حال سزاوار نیست در وجوب این ذکر در تشهد نماز، از نگاه شیعه تردید روا داشت، زیرا از پشتوانه روایی کافی برخوردار است، برای نمونه شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

ان الصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله من تمام المصلاه ... و من صلّی و لم یصلّ علی النبی و ترک ذلک متعمدا فلا صلاة له. (من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 183) "درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله تمام کننده نماز است... هرکس نماز بگذارد ولی بر آن حضرت درود نفرستد و این کار را از روی عمد ترک نماید، نمازی برای او نیست."

نیز از آن حضرت نقل می‌کند: اذا صلّی احدکم و لم يذكر النبی صلی الله علیه و آله فی صلاته سلک بصلاته غیر سبیل

المجنه. (ثواب الماعمال، ص 20 صلی الله علیه و آله، نیز نک: برقی، ج 1، ص 95)؛ هرگاه یکی از شما نماز بگزارد، ولی در نماز خود از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد نکند، با نماز خود راهی غیر از راه بهشت پیموده است."

آن چه گذشت، در مورد حکم این ذکر در حال نماز بود. اما چنان چه کسی در غیر این حال، نام پیامبر صلی الله علیه و آله را به زبان آورد یا آن را از زبان دیگری بشنود، براساس فتوای مشهور در میان فقهای شیعه، مستحب موکد است بر آن حضرت درود فرستد.

در این میان، صاحب حدائق، قائل به وجوب شده. (بحرانی، ج 8، ص 4 صلی الله علیه و آله 2) و همین قول را به ابن بابویه و صاحب کنز المعرفان نیز نسبت داده است. (همان، ص 439)

مستند این قول نیز، برخی روایات از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، برای نمونه:

- المبخیل حقّاً من ذکرک عنده فلم یصلّ علیّ. (صدوق، معانی الماخبار، ص 24 صلی الله علیه و آله)؛ به حق، بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و بر من صلوات نفرستد."

- المبخیل کل المبخیل الذی اذا ذکرک عنده لم یصلّ علیّ. (مف د، ج 2، ص 1 صلی الله علیه و آله 9)؛ بخیل کامل کسی است که هرگاه پیش او نام من برده شود بر من درود نفرستد."

- اجفی الناس رجل ذکرک بین یدیه فلم یصلّ علیّ. (ابن فهد، ص 41)؛ ستمکارترین مردم کسی است که در حضور او از من یاد شود ولی بر من درود نفرستد."

و مانند روایت ذیل از امام صادق علیه السلام: المصلاة على النبي صلى الله عليه وآله واجبة في كل موطن و عند العطاس و المذابح و غیر ذلک. (حرّ عاملی، ج علیه السلام، ص 203)؛ درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله در هر جایی (از جمله) هنگام عطسه نمودن و سر بریدن حیوانات و غیر این موارد واجب است."

صاحب جواهر پس از خدشه بر دلالت این روایات بر وجوب، به این نکته تصریح می کند که آنان که با لسان شرح و رموز آن آشنایی دارند، می دانند که از این روایات چیزی جز استحباب استفاده نمی شود. افزون بر این، وی به اموری مانند اصل (برائت از وجوب)، اجماع و سیره قطعی نیز تمسک می کند. (نجفی، ج 10، ص 259)

ممکن است گفته شود برخی روایات مانند روایت اخیر به صراحت، سخن از وجوب به میان آورده، ولی باید گفت به کارگیری این گونه تعبیرات از سوی ائمه: در اموری که واجب نبودن آنها قطعی است و در زمره مستحب‌های موکّد محسوب می‌شوند، امری است رایج. برای نمونه از امام صادق علیه السلام نقل است: «سجدة المشکر واجبة علی کل مسلم» (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 333)

نیز از آن حضرت نقل است: «المعة قة واجبة» (کلینی، ج 3 صلی الله علیه و آله، ص 25)

3- چگونگی ذکر صلوات در منابع شیعه

چنان که می‌دانیم، عبارتی که شیعه به عنوان ذکر صلوات در حال نماز و غیر حال نماز به کار می‌برد، جمله معروف این آوردن زبان بر وجوب فقها از برخی، جواهر صاحب گفته به «است: محمد آل و محمد علی صل اللهم» عبارت در تشهد را مشهور دانسته، بلکه برخی، اجماعی بودن آن را گمان کرده‌اند. (نجفی، ج 10، ص 2 صلی الله علیه و آله 2)

بی‌تردید گفتن این عبارت جهت ادای تکلیف، اعم از وجوبی یا استحبابی، کفایت می‌کند. ولی در این زمینه مباحثی وجود دارد که طرح آن‌ها به روشن‌تر شدن موضوع و رفع برخی ابهامات کمک می‌کند.

از جمله این که آیا انجام تکلیف، متعیّن در ادای این عبارت است. و یا با گفتن جملات مشابهی که در بردارنده همین مضمون باشد نیز تکلیف انجام می‌شود؟ می‌توان از مجموع روایات و سخنان فقها به وجه دوم دست یافت.

براساس نقل شیخ صدوق، آن گاه که از چگونگی درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله سوال شد، حضرت فرمود می‌گویید: صلوات الله و صلوات ملائکته و انبیائه و رسله و جمیع خلقه علی محمد و آل محمد و السلام علیه وعلیهم و رحمة الله و برکاته. (معانی الاخبار، ص 2 صلی الله علیه و آله 3)

این درحالی است که به یقین می‌دانیم، می‌توان درود فرستادن بر آن حضرت را در قالب همان عبارت مشهور نیز انجام داد. به دیگر سخن، این جمله تنها در قالب یک مثال، آن هم با عبارتی کوتاه ارزیابی می‌شود. چنان که صاحب جواهر نیز پس از پاره‌ای مباحث می‌نویسد: من ذلک کله یعلم حینئذ ان ما ورد فی المنصوص من اللفظ المخصوص علی جهة المثال. (نجفی، ج 10، ص 2 صلی الله علیه و آله 3) از همه آن چه گفتیم دانسته می‌شود لفظ ویژه‌ای که در نصوص آمده (صرفاً) از باب مثال است.

وی در جایی دیگر می نویسد: لا ریب فی أنّ الماقوی إجزاء مطلق مسمى المصلاة علی المنبی صلی الله علیه و آله و ان کان الماحوط الماقتصار علی الملفظ المخصوص. (همان، ص 2 صلی الله علیه و آله 4)؛ شکی نیست در این که فتوا، کفایت نمودن هرگونه عبارتی است که بتوان آن را درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله نامید، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که بر همان لفظ مخصوص بسنده شود.؛

وی هم چنین از علامه حلی نقل می کند که گفته است: اگر شخص بگوید: صلی الله علیه محمد و آله یا صلی الله علیه و آله یا صلی الله علیه رسول و آله، کفایت می کند چون با همه این عبارات ها، مقصود حاصل است. (همان)

بحث مهمّ دیگر آن که آیا لازم است در این ذکر، آل و خاندان پیامبر: نیز همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله آورده شود یا تنها درود فرستادن بر آن حضرت کفایت می کند؟

ظاهر بدوی برخی روایات، احتمال دوم است. (نک: کل نی، ج 1، ص 451، ج 3، ص 303 و 341، ج 4، ص 331، صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 318، طوسی، تهذیب الاحکام، ج 2، ص صلی الله علیه و آله 5، ج 4، ص 231، ج 5، ص علیه السلام علیه السلام) ولی چنان که گفتیم این ظهور، بدوی است و تنها در مقام بیان اهمیت اصل این ذکر و با قطع نظر از نکات المحاقی آن است، چرا که بر اساس مدلول صریح بسیاری از روایات، تردیدی در ضرورت آوردن آل پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نام آن حضرت نیست. صاحب جواهر می نویسد: نصوصنا مستف صة فی ذلک. (نجفی، ج 10، ص 2 صلی الله علیه و آله 2)

آن چه در ذیل می آید نمونه های اندکی از این روایات است:

صدوق به اسناد خود از ابان بن تغلب از امام باقر علیه السلام نقل می کند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: من صلی علی و لم یصل علی آلی لم یجد ریح الجنّة و ان ریحها لتوجد من مسیرة خمس مائة عام. (الامامی، ص 200، نیز نک: مجلسی، ج 91، ص 5 صلی الله علیه و آله، فت آل ز شاپوری، ج 2، ص 323)؛ هرکس بر من درود فرستد و برخاندانم درود نفرستد، بوی بهشت را نمی یابد و این در حالی است که بوی بهشت از مسیر پانصد سال به مشام می رسد.؛

نیز شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اذا صلی علیّ ولم یتبع المصلاة علی اهل بیتی کان بینها و بین السماوات سبعون حجابا و یقول الله تبارک و تعالی: لا لبّیک و لا سعّدیک، یا ملائکتی لا تصعدوا دعائیه الّا ان یلحق بالمنبی صلی الله علیه و آله عترته، فلا یزال محجوبا حتی یلحق به اهل بیتی. (الامامی، ص 580، ثواب الاعمال، ص 15 علیه السلام، شع ری، ص صلی الله علیه و آله 3، ز نک: حرّ عاملی، ج علیه السلام، ص 204، مجلسی، ج 91، ص 5 صلی الله علیه و آله)

حجاب هفتاد ها آسمان و او میان، نفرستد درود برخاندانم، آن دنبال به ولی فرستد درود من بر شخصی هرگاه؛
خواهد بود و خداوند تبارک و تعالی می فرماید: لا لیک ولا سعدیک، ای فرشتگانم! دعای او را بالا نبرید تا این که خاندان
پیامبر صلی الله علیه و آله را به او ملحق سازد، او پیوسته محبوب خواهد بود تا این که اهل یتیم را به من ملحق
سازد."

شیخ کلینی نیز با سند خود از ابن قدام از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: سمع ابی رجلا متعلقا بالمیبت
و هو یقول: اللهم صل علی محمد. فقال له ابی: یا عبدالله! لا تبترها لا تظلمنا حقنا، قل: اللهم صل علی محمد و اهل بیته. (ج 2،
ص 495، نیز نک: ابن فهد، ص 1 صلی الله علیه و آله 2، حرّ عاملی، ج علیه السلام، ص 202)

پدرم شنید درحالی که مردی به خانه خدا آویخته بود، می گفت: اللهم صل علی محمد، به او فرمود: ای بنده خدا!
صلوات را ابتر انجام نده، درمورد حق ما ستم نکن. بگو: اللهم صل علی محمد و اهل بیته.

در روایتی دیگر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: لا تصلّوا علیّ صلاةً مبتورة، بل صلّوا الی اهل بیتی و لا
تقطعوه، فان کل نسب و سبب یوم المیامه منقطع الا نسبی (حرّ عاملی، ج علیه السلام، ص 20 علیه السلام، مجلسی، ج 5،
ص 208) "بر من صلوات بی دنباله نفرستید، بلکه به اهل یتیم (نیز) درود فرستید و آن را قطع ننمایید، زیرا روز قیامت
هر پیوند نسبی و سببی بریده خواهد بود مگر پیوند نسبی من." [3]

بحث قابل طرح دیگر در پیوند با چگونگی ذکر صلوات، آن است که آیا اعاده حرف "علی" بر سر کلمه
برخی شاهد، باره این در گاه چیست؟ حکمش است رایج سنت اهل برادران تعبیرات در که چنان "آل"
تعصبات هستیم و با این کار، به شدت مخالفت می شود و حتی به منظور مردود شمردن چنین تعبیری به حدیثی از پیامبر
گرامی صلی الله علیه و آله تمسک می شود که بر اساس آن حضرت فرمود: من فصلّ بینی و بین آلمی لم تنله شفاعتی.
"رسید نخواهد او به شفاعتم، بیندازد فاصله آلم و من میان هرکس."

حال آن که شایسته است با پرهیز از این گونه اختلافات لفظی و جزئی، با هر دو تعبیر رایج در میان شیعه و سنی کنار
آمد.

محقق معاصر، محمد جواد مغنیه در تأکید بر همین مهم می نویسد:

محمد آل علی و محمد علیّ صلّ اللهم عبارت و محمد آل و محمد علیّ صلّ اللهم عبارت میان فرقی هیچ ما؛
نمی بینیم."

در مورد حدیث مزبور نیز می نویسد: «الملة اعلم بصحته (المسلم عليه ص 23، آله و علیه الله صلی ج، مغذ 4)»

از نظر نگارنده نه تنها صحت این حدیث، بلکه اصل وجودش قابل درنگ و تأمل است، زیرا با تفحص فراوانی که با بهره گیری از امکانات نرم افزاری در همه منابع حدیثی شیعه انجام شد، اثری از این حدیث یافت نگردید.

بر فرض وجود و صحت سند این حدیث، مداول آن نیز قابل درنگ است، زیرا معلوم نیست مقصود حضرت از فاصله انداختن میان او و آلهش، آوردن حرف «علی» بر سر کلمه «آل» باشد، زیرا احتمالات دیگر نیز متصور است، مانند جدایی انداختن بین حضرت و خاندانش در احترام و تکریم یا در معصوم دانستن ایشان یا در مسأله ولایت و اموری از این قبیل.

پس بهتر است از یک سو، مشهورترین و پر نقل ترین صورت صلوات در میان اهل سنت را - که مذکور گردید - مد نظر قرار دهیم و از سوی دیگر بر حذف حرف «علی» بر سر کلمه «آل» جمود نورزیم و الفاظ ما زاد بر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش را از مستحبات و قابل حذف بدانیم، با این فرض ها می توان گفت عبارت «اللهم صل علی محمد و آل محمد» اعم از این که همراه با حرف «علی» بر سر کلمه ای وسیله را استعمال پر و نورانی ذکر این توان می و، فریقین میان مشترک است عبارتی، خیر یا باشد «آل» ارزشمند در راستای وحدت امت اسلامی قرار داد.

جالب این که در منابع اهل سنت نیز، گاه ذکر صلوات، عیناً با همان عبارت رایج در میان شیعه نقل گردیده. برای نمونه از کعب بن عجره نقل کرده اند که هنگام نزول آیه 5 صلی الله علیه و آله سوره احزاب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض شد: چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمود بگویید: اللهم صل علی محمد و آل محمد ... (ابو داود، ج 1، ص 221)

مازاد بر عبارت فوق، عباراتی مانند: «كما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم» و «كما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم» گفتن آن ها مستحب و غیر دخیل در تحقق اصل صلوات است، چنان که صاحب جواهر می نویسد:

المظاهر عدم مدخله المزیادات فی کفة اصل المصلاة بل هی مستحب فی مستحب. (نجفی، ج 10، ص 2 صلی الله علیه و آله 4) «ظاهر (روایات) آن است که الفاظ مازاد، دخیلتی در چگونگی اصل صلوات ندارد بلکه آن ها مستحب در مستحب می باشند.»

وی به نقل از علّامه حلّی نیز می نویسد: المجزی من المصلاة: اللهم صل علی محمد و آل محمد و مازاد مستحب بالخلاف. (همان، ص 2 صلی الله علیه و آله 3) «در درود فرستادن (بر پیامبر صلی الله علیه و آله) عبارت اللهم صل علی محمد و آل محمد کفایت می کند و مازاد بر آن، بدون اختلاف در میان فقها، مستحب است.»

نتیجه گیری

روایات اهل سنت و شیعه و نیز سخنان فقهای فریقین، حاکی از جایگاه رفیع ذکر صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او است. از نظر فقهای شیعه، ادای این ذکر در تشهد نماز واجب است و به حسب ظاهر می توان فقهای اهل سنت یا بیشتر آنان را نیز همراه با این دیدگاه دانست.

در مورد چگونگی ذکر صلوات، تفاوت هایی در روایات اهل سنت به چشم می خورد. ولی می توان قدر مشترک میان آنها را عبارت «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد» دانست، زیرا این مضمون، در همه عبارات های منقول در روایات آنان به چشم می خورد.

از سوی دیگر دلیلی بر لزوم آوردن حرف «علی» بر سر کلمه «آل» وجود ندارد. به دیگر سخن، با گفتن این عبارت، تکلیف اعم از وجوبی یا استحبابی ادا می گردد و بدین ترتیب نوعی قرابت و همگرایی بین شیعه و اهل سنت حاصل می شود.

المبته شیعیان، بر لزوم المحاق آل پیامبر صلی الله علیه و آله به آن حضرت و به تعبیر دیگر بر مردود بودن صلوات مبتوره، تاکید و اهتمام فراوان دارند، ولی محدثان و عالمان اهل سنت در این باره، اهتمام چندانی نشان نمی دهند و شایسته است عالمان اهل سنت، در این مورد درنگ بیشتر کنند و در صورتی که جوامع حدیثی آنان متعرض این امر نشده، با تکیه بر راویان مورد وثوق شیعه، این نقیصه را برطرف نمایند.

منابع

قرآن کریم

- 1- ابن ابی شیبۀ کوفی، المصنف، ۱۰ روت، دارالمفکر، 1409ق.
 - 2- ابن بطریق، خصائص الموحی المبین، قم، دارالمقرآن المکریم، 141 علیه السلام ق.
 - 3- ابن حنبل، احمد، المسند، ۱۰ روت، دارصادر، بی تا.
 - 4- ابن فهد، عدۀ المداعی، تهران، دارالمکتب الاسلامی، 140 علیه السلام ق.
 - 5- ابن ماجه، محمد، المسنن، ۱۰ روت، دارالمفکر، بی تا.
- صلی الله علیه و آله - ابوداود، سلیمان بن اشعث، المسنن. ۱۰ روت، دارالمفکر، بی تا.
- علیه السلام - بحرانی، وسف، المحذائق المناظره، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، 4، بی تا.

8- بخاری، محمد بن اسماعیل، المصحح، ب روت، دارالمفکر، 1414ق.

9- _____، المادب المفرد، تحق ق فؤاد عبدالمباقی، مؤسسة المکتب الثقافه 4، بی تا.

10- برقی، محمد بن خالد، المحاسن، قم، دارالمکتب الاسلامیه 4، 13 علیه السلام 1ق.

11- بکری ده اطمی، اعانة الطالبین، ب روت، دارالمفکر، 1418ق.

12- ب هقی، احمد بن حسن، المسنن الکبری، ب روت، دارالمفکر، بی تا.

13- ترمذی، محمد بن ع سی، المسنن، ب روت، دارالمفکر، 1403ق

14- جهضمی، اسماعیل بن اسحاق، فضل الصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله، ب روت، المکتب الاسلامی، 13 علیه السلام 9ق.

15- حاکم ن شابوری، مستدرک المصححین، ب روت، دارالمعرفه، 1403ق.

1 صلی الله علیه و آله - حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل المشع، قم، موسسه آل المبيت:، 1409ق.

1 علیه السلام - دارمی، عبدالمه بن بهرام، المسنن، دمشق، مطبعة الماعتدال، بی تا.

18- د لمی، حسن بن ابی المحسن، اعلام المدین، قم، موسسه آل المبيت:، 1408ق.

19- زرندی، محمد بن وسف، نظم درالمسمط، ن، مکتبه المالم المؤمن بن علیه السلام، 13 علیه السلام علیه السلام ق.

20- شافعی، محمد بن ادر س، الممسند، بیروت، دارالمکتب العلمیه، بی تا.

21- شعیری، تاج الد ن، جامع الماخبار، قم، انتشارات شریف رضی، 13 صلی الله علیه و آله 5 ش.

22- صدوق، محمد بن علی، المالمی، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامی، 13 صلی الله علیه و آله 2 ش.

23- _____، ثواب الماعمال، قم، انتشارات شریف رضی، 13 صلی الله علیه و آله 4 ش.

24- _____، ء ون اخبار المرضا علیه السلام، تهران انتشارات جهان، 13 علیه السلام 8 ق.

25- _____، معانی الماخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علم 4، 13 صلی الله علیه و آله 1 ش.

2 صلی الله علیه و آله - _____، من لا حضره المفق 4، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علم 4، 1413 ق.

2 علیه السلام - طوسی، محمد بن حسن، المالمی، قم، دارالمثقافه، 1414 ق.

28- _____، تهذ ب الماحکام، تهران، دارالمکتب المعلم 4، 13 صلی الله علیه و آله 5 ش.

29- عسقلانی، ابن حجر، فتح المباری بشرح البخاری، ب روت، دارالمعرفه للطباعه والنشر، بی تا.

30- فتأل ذ شابوری، محمد بن حسن، روضه المواقط ن، قم، انتشارات شریف رضی، بی تا.

- 31- فض کاشانی ملّاحسن، تفسر صافی، تهران، المكتبة الاسلامة 4، 13 صلی الله علیه و آله 2ش.
- 32- قاضی نعمان مغربی، شرح الاخبار فی فضائل المائمة الماطهار، قم، انتشارات جامعه مدرسن حوزه علم 4، بی تا.
- 33- کلّنی، محمد بن معقوب، الکافی، تهران، دارالمکتب الاسلامة 4، 13 صلی الله علیه و آله 5ش.
- 34- مبارکفوری، محمد عبدالرحمن، تحفة الماحوذی، بیروت، دارالمکتب العلمیه، 1410ق.
- 35- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الموفاء، 1404ق.
- 3 صلی الله علیه و آله - مغن 4، محمد جواد، المتفسر و المکاشف، تهران، دارالمکتب، 1424ق.
- 3 علیه السلام - مف د، محمد بن نعمان، الارشاد، قم، کنگره شخ مف د، 1413ق.
- 38- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، تهران، دارالمکتب الاسلامة 4، 13 صلی الله علیه و آله علیه السلام ش.
- 39- نسائی، احمد بن شعب، السنن، بیروت، دارالمفکر، 1348ق.
- 40- نوری، مه رزاحسن، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل المبت، 1408ق.
- 41- نووی، محمد بن، شرح صحاح مسلم، بیروت، دارالمکتب العربی، 140 علیه السلام ق.

42- ه شمی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ب روت، دارالمکتب العلمی، 4، 1408ق.

x. دانشیار دانشگاه شیراز.

1. گفتنی است در عبارت‌های صورت نخست، تعبیری به کار رفته که تا حدودی قابل درنگ به نظر می‌رسد و آن عبارت «کما صلیت علی ابراهیم» یا «کما بارکت علی ابراهیم افضل اینکه چه است آن مانند و «و اشرف بودن پیامبرگرامی اسلام به همه پیامبران : از جمله حضرت ابراهیم علیه السلام اقتضا می‌کند تشبیه به عکس این باشد. عالمان اهل سنت به این اشکال پاسخ‌هایی داده‌اند از جمله:

- این که پیامبر 6 درخواست می‌کند «و خداوند بر او درود فرستد همانگونه که بر ابراهیم علیه السلام درود

فرستاد" و تعبیرات مانند، آن مربوط به زمانی است که هنوز نمی دانست وی از همه پیامبران افضل و اشرف است.

- این درخواست پیامبر 6 برای امتش بود، نه برای خود و خاندانش.

- سخن با جمله "صلّ علی محمد"؛ تمام شده عبارت "و علی آل محمد"؛ گزاره ای است جدید و جملات بعدی تنها مرتبط با همین گزاره می باشد و تقاضای همانندی با ابراهیم علیه السلام و آل او صرفاً برای آل پیامبر 6 است.

- مورد تقاضا آن است که خداوند برای محمد 6 و آل او، همه آن مقدار صلوات و برکاتی را قرار دهد که برای ابراهیم علیه السلام و آل او قرار داده زیرا منظور از آن، پیامبر همه پیروان او است و با این حساب همه پیامبران دیگر و پیروانشان، آل ابراهیم علیه السلام خواهند بود در حالی که هیچ پیامبری در آل محمد 6 داخل نخواهد بود و بدین ترتیب مقدار صلوات و برکات درمشفه، کمتر از آن در مشبه به خواهد بود.

- این تشبیه از باب المحاق کامل به اکمل نیست، بلکه نوعی تقاضا به گونه اولویت محسوب می شود و معنای عبارت این است که صلوات و برکاتی که برای ابراهیم علیه السلام و آل او در نظر گرفتی، آن را به طریق اولی، برای محمد 6 و آل او در نظر بگیر. (ر.ک: شرح صحیح مسلم، ج 4، ص 125، فتح المباری بشرح صحیح البخاری، ج 8، ص 410)

بدیهی است همه یا بیشتر این پاسخ ها، مورد اشکال و فاقد دلیل است. به نظر می رسد می توان با پرهیز از این تکلفات چنین پاسخ داد:

لازم نیست همیشه مشبه به، نسبت به مشبه، اکمل و اشرف باشد زیرا گاه مشهور و معروف بودن آن برای المحاق و تشبیه کافی است هرچند به لحاظ رتبه و منزلت در درجه نازل تری نسبت به مشبه قرار گیرد. چنان که قرآن می فرماید: مثل نوره کمشکاة ... (نور/35)

و نیز درجاهی دیگر فرمود: کتب علیکم المصایم کما کتب علی المذین من قبلکم (بقره/183)

انّ اوحینا المیک کما اوحینا الی نوح (نساء/163)

احسن كما احسن الله اليك. (قصص / علیه السلام علیه السلام)

در مسأله مورد بحث نیز آشنایی و پیشینه‌ی ذهنی اهل زبان نسبت به ابراهیم علیه السلام و امور مرتبط با آن حضرت، زمینه ساز و توجیه کننده این المحاق و تشبیه است هر چند به لحاظ مراتب و درجات، پایین تر از پیامبر اسلام⁶ می باشد.

[3]. شبهه‌ای که ممکن است در این جا طرح شود آن که به موجب آیه "يا ايها المذنب آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما"؛

صلوات فرستادن بر پیامبر

6

فرمان داده شده و نه در این آیه و نه در هیچ آیه دیگر، برای درود فرستادن بر خاندان پیامبر

6

فرمانی صادر نگردیده است.

به نظر می رسد بهترین پاسخ به این شبهه، سخنی است که از امام رضا علیه السلام طی گفت وگویی که بین ایشان و مامون عباسی رخ داده، نقل گردیده. حاصل این گفت و شنود که آن را شیخ صدوق به تفصیل گزارش می کند چنین است:

مامون خطاب به حضرت می گوید: در مورد صلوات بر پیامبر اختلافی نیست و در این زمینه اجماع امّت، تحقق یافته است، آیا درباره صلوات بر آل، دلیل روشنی از قرآن دارید؟

حضرت فرمود: بله، به من بگوئید مقصود از "يس"؛ در آیه يس "والمقرآن المحکیم انک لمن المرسلین" (یس/2 و 1) چیست؟ علمای حاضر در مجلس گفتند: بی تردید مقصود از آن پیامبر⁶ است. حضرت فرمود: پس مقصود از "آل يس" آنجا که خداوند می فرماید سلام علی آل يس (صافات/130) خاندان پیامبر

6

خواهد بود. افزون بر آن خداوند در شماری از آیات به برخی از پیامبران، سلام داده، برای مثال فرموده: سلام علی نوح فی العالمین (صافات/ 9) سلام علی ابراهیم (صافات/109) سلام علی موسی و هرون (صافات/120) و فرموده سلام علی آل نوح، سلام علی آل ابراهیم، سلام علی آل موسی و هرون و حال آنکه خداوند بر خاندان این پیامبران نیز درود فرستاده زیرا می گوییم: "كما صليت علی ابراهیم و آل ابراهیم"؛

و از این جا دانسته می شود که صلوات فرستادن بر آل محمد⁶ نیز مطلوب و مورد نظر است. (ر.ک: عیون اخبار الرضا

علیه السلام ، ج 1، ص 236، نیز ر.ک: تفسیر صافی، ج 2، ص 365)